الباب السابع و العشر من الواحد الثالث لا یجوز کتابة…

حضرت باب

اصلی فارسی



## **الباب السابع و العشر من الواحد الثالث** لا یجوز کتابة آثار النقطة کلها الا بأحسن الخط و ان یکن عند احد حرفا من دون خط الحسن فیهبط عمله و لم یکن من المؤمنین.

ملخص این باب آنکه کل آثار نقطه مسمی ببیان است ولی این اسم بحقیقت اولیه مختص بآیات است و بعد در مقام مناجات بحقیقت ثانویه ذکر میشود و بعد در مقام تفاسیر بحقیقة ثالثیه و بعد در مقام صور علمیه بحقیقة رابعیه و بعد در مقام کلمات فارسیه بحقیقت خامسیه اطلاق میشود

ولی این اسم مختص آیات است نه غیر او باستحقاق چنانچه اذن داده شده بر اینکه تسمیه بعبد البیان در نفوس گذارده شود زیرا که از ماده بیان اسم الله مشتق میگردد و اول من قد سمی نفسه به الله جل جلاله حیث قد نزل فیه اننی انا الله لا اله الا انا الواحد البیان

و کل سر بیان در اسم او ظاهر زیرا که عدد البیان باواحد صورت جامعه عدد لله میگردد تا آنکه مرآتی باشد از برای نقطۀ بیان که آن مرآت لله بوده و از برای ”من یظهره الله“ که او است مرآت لله و آنچه که در بیان است که لله باشد از برای لله بوده وهست و در حین صورت جامعه او است

و در حین ذکر هر حرفی از حروف واحد بعدد باب تمامیت عدد این کلمۀ علیه میگردد زیرا که ایشانند که لله بوده و هستند ولی کل راجع بباب اول میگردد چنانچه در نقطۀ بیان ظاهر اذ ما فی المرایا لن یعدل شمس السماء و ما من اله الا الله رب السموات و رب الارض رب کلشیئ رب ما یری و ما لا یری رب العالمین و ان الهکم لاله واحد لا اله الا هو الرحمن المتعالی المنیع

و اذن داده نشده که احدی حرفی از حروف بیان را بنویسد الا باحسن خط و احسن از برای هر نفسی در حد او است نه در حد فوق اون و نه درحد دون آن و این از برای این است که روح متعلق بآن حرف که در بیان است باعلی ما یمکن فی الامکان فی حده مرتفع گردد که در مؤمنین بیان دیده نشود شیئ الا آنکه آن شیئ در حد خود بکمال رسیده باشد چنانچه امروز حروف الفیه چگونه ممیزند در طرزیت از سایر ملل همین قسم من فی البیان گردد که اگر احدی از بیان در مشرق ارض باشد بنفسه از حسن او و حسن آنچه در نزد او است در حد خود محبوب گردد که این اعظم سبیلی است از برای جذب کل ادیان بدین واقع خداوند رحمن ولی کل در صورتی است که مقتدر باشد نه اینکه بر نفس خود صعوبت وارد آورد در شیئ زیرا که خداوند دوست نداشته که نظر فرماید بنفس مؤمنی در حزن بل کل علی قدر ما استطاعوا لیکلفون

گویا الآن در این جبل مشاهده میشود که بیانهای مطرز نزد اهل بیان هست و بتلاوت آن متلذذ میگردند و بآنها مستعد شده اند که با بیانهای خود در نزد ”من یظهره الله“ وافد گردند که وفود علی الله بوده و هست و اظهار وجود خود را در نزد او محتجب نموده که از حیاء بعید بوده و هست فلتتقن الله ان یا اولی البیان کلکم اجمعون.

